

بررسی و نقد

کتاب تاریخ ادبیات فرانسه: قرن نوزدهم

میترا رئیسی دهکردی*

چکیده

دروس آموزش تاریخ ادبیات فرانسه بخش بسیار مهمی از واحدهای کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه را تشکیل می‌دهند. تاریخ ادبیات فرانسه در قرن نوزدهم و تفسیر متون آن در دو درس چهارواحدی ارائه می‌شود. برای تدریس این درس بیش‌تر از کتاب‌های تاریخ ادبیات مورخان ادبی فرانسوی استفاده می‌شود. این کتاب‌ها معمولاً آراسته به گزیده‌های متون ادبی اند که به‌منظور توضیح در کلاس و نیز مطالعات تکمیلی از آن‌ها استفاده می‌شود. کتاب تاریخ ادبیات بدون گزیده متون ادبی ناقص است، چراکه این متون و پرسش‌هایی که در ارتباط با آن‌ها می‌توان مطرح کرد، در رشد تفکر تحلیلی و انتقادی مخاطبان مؤثر خواهد بود. کتاب مورد نقد ما، *تاریخ ادبیات فرانسه: قرن نوزدهم*، در ظاهر، ویژگی‌های مذکور را دارد. مؤلفان این کتاب فقط به ارائه تاریخ ادبیات اکتفا نکرده‌اند، بلکه پس از توضیح درباره زندگی‌نامه و معرفی آثار نویسنده مورد نظر و بعضاً بحث‌های مربوط به حوزه نقد ادبی و سبک‌شناسی، صفحاتی را به متون ادبی اختصاص داده و بسیاری از فصول کتاب را با خلاصه‌ای از مطالب و تمرین‌ها به پایان رسانده‌اند. اما این کتاب، چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا، کاستی‌های فراوان دارد. از این رو، می‌کوشیم با بررسی ابعاد گوناگون این مشکلات به این پرسش پاسخ می‌دهیم که این اثر تا چه حد پاسخ‌گوی نیازهای دانشجویان دوره کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه‌های کشور است.

کلیدواژه‌ها: زبان فرانسه، تاریخ ادبیات، قرن نوزدهم، صورت، محتوا.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه بوعلی سینا m.raissi@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲

۱. مقدمه

کتاب‌های تاریخ ادبیات غالباً ساختاری مشابه دارند که شامل متون گزیده ادبی، تاریخ ادبیات، و سبک‌های ادبی می‌شود. اما مسئله مهم برقراری تعادل میان این عناصر گوناگون در یک مجلد است، چرا که به این ترتیب می‌توان ابزاری کامل در اختیار مخاطب قرار داد. در کتابی چون *Itinéraires Littéraires* هریک از نویسندگان مورد مطالعه در مرکز یک پرونده قرار دارند که از این بخش‌ها تشکیل شده است: زندگی‌نامه با تکیه بر رویدادهای شاخص زندگی نویسنده، معرفی آثار، گزیده متون ادبی، پرسش‌های مرتبط با این متون، تجزیه و تحلیل موضوعی، متون مربوط به حوزه نقد ادبی، و منتخبی از آثار نویسندگان غیرفرانسوی با هدف ارائه اطلاعات تکمیلی در خصوص نویسنده مورد بحث. در پایان، بخشی با عنوان «جمع‌بندی» (*Mise au point*) با روشی خاص توجه مخاطب را به یک نهضت، یک نوع ادبی، یا رابطه میان هنرهای گوناگون جلب می‌کند. این کتاب با تصاویر بسیار غنی و متنوع خود تشابهات تاریخی و زیبایی‌شناختی میان نقاشی، پیکرتراشی، و ادبیات را آشکار می‌کند و به خواننده خود نشان می‌دهد که هیچ گسستی میان هنرها و اشکال گوناگون آفرینش و دوره‌ای که این هنرها در آن به ظهور می‌رسد وجود ندارد.

کتاب *تاریخ ادبیات فرانسه: قرن نوزدهم*، تألیف رؤیا لطافتی و بیتا معظمی فراهانی چاپ انتشارات سمت در سال ۱۳۸۸ در ظاهر برخی از ویژگی‌های مذکور را دارد. مؤلفان این کتاب فقط به ارائه تاریخ ادبیات اکتفا نکرده‌اند، بلکه پس از توضیح درباره زندگی‌نامه و معرفی آثار نویسنده مورد نظر و بعضاً بحث‌های مربوط به حوزه نقد ادبی و سبک‌شناسی، صفحاتی را به متون ادبی اختصاص داده و بسیاری از فصول کتاب را با خلاصه‌ای از مطالب و تمرین‌ها به پایان رسانده‌اند. اما با مطالعه این کتاب اشکالات گوناگون و پرتکرار آن رخ می‌نماید. با هدف بررسی این مشکلات، مقاله خود را به دو بخش صورت و محتوا تقسیم می‌کنیم. اما ذکر یک نکته ضروری به نظر می‌رسد: با توجه به آن‌که محتوای این کتاب نوآورانه نیست و نقشه آن تلفیقی از فهرست مطالب کتاب‌های ارزشمند تاریخ ادبیات فرانسوی است و نیز اشکالات بی‌شماری که در ابعاد صوری این اثر به چشم می‌خورد، ترجیح دادیم ابتدا به صورت اثر و سپس به محتوای آن پردازیم. بدین منظور با توجه به آموزشی بودن این کتاب، بخش مهمی از نقد خود را به تحلیل خطاهای دستوری و واژگانی آن اختصاص داده‌ایم. اما پیش از پرداختن به جزئیات بحث، به جاست برای نشان دادن اهداف مؤلفان نظری به پیش‌گفتار کتاب بیفکنیم.

۲. پیش‌گفتار کتاب

عنوان این کتاب، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، با درس «تاریخ ادبیات فرانسه در قرن نوزدهم»، که غالباً در نیم‌سال هفتم دوره کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه ارائه می‌شود، هم‌خوانی دارد. اما در سطر چهارم این پیش‌گفتار، با نگاهی آموزش‌محور و بحث استفاده از ادبیات به‌عنوان ابزاری برای تدریس زبان خارجی روبه‌رو می‌شویم: «ادبیات به‌مثابه یکی از واسطه‌های اصلی انتقال ارزش‌های گذشته و میراث فرهنگی در کلاس‌های زبان، مولد میل و اشتیاق در یادگیری و آفرینش است» (Letafati and Moazzami, 2009: 1). البته در پاراگراف بعدی مؤلفان هدف خود از نگارش این کتاب را «راهنمایی دانشجویان ایرانی در فراگیری ادبیات فرانسه» (ibid: 1) بیان می‌کنند.

بی‌شک، ماهیت کتاب آموزشی زبان خارجی که در آن از متون ادبی استفاده می‌شود با اثری تخصصی در زمینه ادبیات کاملاً متفاوت است. آنان در ادامه دو مسئله را مطرح می‌کنند: کمبود دانشجویان در زمینه یادگیری ادبیات، یعنی عدم دسترسی به تاریخ ادبیاتی کامل و ارائه «فعالیتی بزرگ برای کشف نهضت‌های بزرگ و مکتب‌های ادبی» (ibid: 1). در نهایت، در پاراگراف پایانی این پیش‌گفتار، نویسندگان به متونی اشاره می‌کنند که «برای شناخت هر چه بهتر ادیبان» (ibid: 1) از آن‌ها بهره جسته‌اند: «بدین‌سان خواسته‌ایم با تکیه بر کتاب‌شناسی اجتماعی، بیش‌ترین اطلاعات مفید را متناسب با نیازهای دانشجویان فراهم کنیم» (ibid: 2). البته در این جمله مشخص نیست مراد از «کتاب‌شناسی اجتماعی» چیست. از همین ابتدا، به‌نظر می‌رسد که مؤلفان به‌روشنی اهداف خود را تبیین نکرده‌اند. در ادامه نشان می‌دهیم این کتاب تا چه حد در تحقق اهداف تعیین‌شده موفق بوده است.

۳. بررسی صورت کتاب

اشکالات صوری، زبانی، نگارشی، و دستوری این کتاب از همان نخستین صفحات رخ می‌نماید و آن‌چنان وفوری دارد که نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. ضروری است در بخش‌هایی جداگانه به بررسی آن‌ها بپردازیم.

۱.۳ اشکالات صوری

۱.۱.۳ علائم سجاوندی

یکی از مواردی که پیش از پرداختن به بحث‌های مربوط به محتوا در کلاس‌های نگارش

فرانسه از جمله «انشاء»، «وقایع نگاری»، و «تفسیر متون» مطرح می‌شود، کاربرد درست علائم سجاوندی است. اکثر دانشجویان آشنایی اندکی با این قواعد دارند، چرا که در دوره تحصیلات پیش از دانشگاه اهمیت آن‌ها را درک نکرده و بعضاً به رعایت آن‌ها مکلف نشده‌اند. از این رو، مدرس بسیاری از وقت خود را صرف توضیح این اصول و الزام دانشجویان به رعایت آن‌ها می‌کند. اما وقتی که دانشجویی در کتابی دانشگاهی با موارد پرشماری از نقض این قواعد روبه‌رو می‌شود چه اتفاقی می‌افتد؟ چگونه می‌توان از او انتظار داشت در عمل این اصول را به کار بندد؟

از جمله این‌که، در این کتاب همهٔ ویروگول‌ها، بدون استثنا، با یک فاصلهٔ کامل از واژهٔ ماقبل‌شان تایپ شده‌اند. همهٔ خطوط اتصال نیز با یک فاصلهٔ کامل از واژهٔ قبل و بعد از خود نوشته شده‌اند.

۲.۱.۳ واژه‌های ایتالیک

در زبان فرانسه برای مشخص کردن عنوان آثار، در دست‌نوشته، باید زیر آن‌ها خط کشید و در نوشتهٔ تایپ‌شده از حروف ایتالیک استفاده کرد. به این ترتیب، می‌توان از بروز ابهام جلوگیری کرد. در این کتاب به موارد بسیاری برمی‌خوریم که از این امر غفلت شده است.

۱.۲.۱.۳ استفاده نکردن یا استفادهٔ نادرست از حروف ایتالیک

- صفحهٔ ۱۷، سطر ۱۲: منظور از کلمهٔ *Génie* عنوان کتاب شاتوبریان است و باید به صورت *Génie* تایپ شود.

- صفحهٔ ۲۲، سطر اول: کلمهٔ *René* به عنوان کتاب اشاره دارد و نه شخصیت داستانی و شکل درست آن *René* است.

- صفحهٔ ۲۵، سطر ۱۵: *Adolphe* عنوان رمانی از بانژمن کنستان و شکل درست آن *Adolphe* است.

یکی دیگر از نمونه‌های کاربرد نابه‌جای حروف ایتالیک در صفحهٔ ۶۷، پاراگراف نخست، در کلمهٔ *Agrippa* به چشم می‌خورد. گویا مؤلفان پنداشته‌اند این کلمه، عنوان یکی از آثار دوینییه (*D'Aubigné*) است؛ در حالی که آگریپا نام کوچک این نویسندهٔ فرانسوی قرن شانزدهم است.

رعایت نکردن این اصول موجب سردرگمی مخاطب می‌شود و از اهمیت آن‌ها در چشم او می‌کاهد.

۲.۲.۱.۳ استفاده توأمان از حروف ایتالیک و گیومه

- صفحه ۳۴، سطر ۵:

La parution des «*Méditations poétiques*»

گیومه‌ها باید حذف شوند. در آخرین سطر همین صفحه به شکل درست این عنوان برمی‌خوریم. نمونه‌هایی از این ناهماهنگی‌ها در سراسر اثر مشهود است.

- همان صفحه، سطر ۸:

La formation du «*Conservateur littéraire*»

گیومه‌ها باید حذف شوند. *Conservateur littéraire* (= محافظه‌کار ادبی) عنوان مجله است و سردبیر آن ویکتور هوگو. شگفت آن‌که همین مجله در صفحه ۴۷، سطر ۹ به *Conservatoire* (= هنرستان) تغییر نام می‌یابد.

۳.۱.۳ استفاده نکردن یا استفاده نادرست از حروف بزرگ

در این کتاب به مواردی برمی‌خوریم که مؤلفان در کاربرد حروف بزرگ بلا تکلیف‌اند و توجیهی برای این تفاوت‌ها در نگارش کلمات وجود ندارد. برای مثال:

- صفحه ۴، سطر ۶: «مونارشی» به صورت *la monarchie* تایپ شده است؛ در حالی که در دو سطر بالاتر شکل درست این کلمه را که *la Monarchie* است می‌بینیم. برای نوشتن نام رژیم‌های سیاسی حرف اول کلمه باید به صورت بزرگ باشد.

- صفحه ۱۸، سطور ۱۰-۱۱: در دو جمله متوالی با دو شکل از کلمه *Christianisme* مواجه می‌شویم؛ در صفحه ۳۰ حرف اول کلمه *romantisme* سه بار کوچک و یک بار بزرگ است؛ در صفحه ۳۴، سطور ۱۱ و ۲۲ باز هم این کلمه به هر دو شکل پدیدار می‌شود. در صفحه ۳۹، سطر آخر بار دیگر این کلمه به صورت *romantisme* تایپ شده است. در صفحه ۱۷۰، مشابه چنین اتفاقی درباره *naturalisme* رخ داده است: از هفت بار آمدن این کلمه دو بار از *Naturalisme* و پنج بار از *naturalisme* استفاده شده است. بنا بر قواعد نگارش، در وسط جمله استفاده از حروف بزرگ مجاز نیست. به نظر می‌رسد مؤلفان خواسته‌اند جنبه تأکیدی این کلمات را نشان دهند، اما حروف بزرگ به هیچ وجه نمی‌توانند برای تأکید به کار روند.

۳.۳ اشتباهات املائی و دستوری

در شناسنامه این کتاب نشانی از نمونه‌خوان و ویراستار علمی به چشم نمی‌خورد و با توجه به مشکلات گوناگون، به نظر می‌رسد این اثر با شتاب‌زدگی به چاپ رسیده است.

۱.۳.۳ تطابق نداشتن میان عناصر جمله

برخی از مشکلات آن قدر ابتدایی اند که می‌توان تصور کرد به دلیل بی‌دقتی هنگام حروف‌نگاری رخ داده باشند. شاید بتوان اشتباهاتی چون تطابق اسم مفعول با فاعل یا مفعول، تطابق اسم و صفت از لحاظ جنس و شمار، تطابق فاعل و فعل، اشتباه در صرف افعال و غیره را از این نوع دانست. فقط به چند نمونه از بی‌شمار نمونه‌های نادرست دقت کنید (زیر کلمات نادرست خط کشیده‌ایم):

- صفحه ۵، سطر ۲۱:

La bacille de la tuberculose est découvert par Koch.

découvert اسم مفعول است و در این جمله مجهول با کلمه مونث la bacille تطابق می‌کند و به e تأنیث نیاز دارد.

- صفحه ۱۱، سطر ۲: کلمه PREROMANTISTES در زبان فرانسه وجود ندارد و به جای آن باید از PREROMANTIQUES استفاده کرد.

- صفحه ۳۷، سطر ۱۹:

Ils se proposent de décrire la société de manière objective et scientifiques (...)

صفت scientifiques باید با موصوف مفرد خود (manière) مطابقت کند و نیاز به «s» جمع ندارد.

- صفحه ۴۰، سطر ۲۱:

(...) un genre nouveau, le mélodrame, s'impose à un public qui s'élargie sans cesse.

مصدر این فعل s'élargir، از افعال دسته دوم و شکل درست آن s'élargit است.

- صفحه ۸۵، سطر ۵:

Quels sont les grandes étapes de l'évolution de l'école du Romantisme?

صفت پرسشی quel به صورت مؤنث و جمع با موصوف étapes تطابق می‌کند، پس شکل درست آن quelles است. به علاوه، در این جمله بهتر است از صفت romantique استفاده شود.

- صفحه ۱۱۸، سطر ۱۵:

(...) seule la beauté comptaient (...)

در این جمله، فاعل مفرد و فعل جمع است. شکل درست آن *seule la beauté comptait* است.
- صفحه ۱۲۰، سطر ۱۱:

Il privilégie le culte de la forme et de la beauté, bannir de la poésie toute autre préoccupation que celle de la beauté.

گویی مؤلفان فعل *bannir* را از افعال دسته اول و *bannier* دانسته‌اند، یا این که این فعل را با اسم مفعول خلط کرده‌اند. صرف درست فعل *bannit* است.

۲.۳.۳ خطاهای دستوری

۱.۲.۳.۳ کاربرد نادرست فعل

- در صفحه ۷، سطر ۱۲، استفاده نادرستی از فعل دوزمیره *pronominal* شده است.

Le XIX^e siècle se voit naître de grands courants littéraires.

ترجمه لفظ به لفظ جمله به فارسی: «قرن نوزدهم دیده می‌شود که جریانات بزرگ ادبی به وجود می‌آیند». *se*، که مشخص نیست در این جا باید آن را ضمیر مفعولی نامید یا عنصری از فعل دوزمیره، کاملاً اضافی است.

- همان صفحه، سطر آخر فعل *abandonner* به معنی «رها کردن» به جای «*abonder*» (= به وفور وجود داشتن) به کار رفته است.

(...) les thèmes romantiques abandonnent

ترجمه فارسی: «موضوعات رمانتیک رها می‌کنند».

- صفحه ۱۸۶، سطر ۳: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Comment défie-t-il sa supériorité?

کلمه *défier*، به معنای رویارو شدن، به جای *définir* (= توضیح دادن) به کار رفته است. این جمله: «چگونه با برتری خویش رویارو می‌شود؟» جانشین این جمله شده است: «چگونه برتری خویش را توضیح می‌دهد؟». چنین اشتباهاتی موجب بروز ابهام در درک مفاهیم می‌شوند.

۲.۲.۳.۳ استفاده نادرست از حروف اضافه

- صفحه ۴، سطر ۱۲:

Ce soulèvement de 1848 est comparable avec la révolution de 1789.

حرف اضافه *avec* باید به *à* تبدیل شود. به نظر می‌رسد که در این جا مانند بسیاری موارد دیگر، ترجمه لفظ به لفظ از فارسی به فرانسه انجام شده است. به ترجمه فارسی جمله توجه کنید: «این شورش ۱۸۴۸ با انقلاب ۱۷۸۹ قابل مقایسه است».

حرف اضافه «با» معادل «avec» گویای این مطلب است. این اشتباهی است که بسیاری از دانشجویان هنگام نگارش متن به فرانسه مرتکب می‌شوند و حاصل آن چیزی جز جمله‌های غیرفرانسوی نیست. در ضمن بهتر است به جای صفت اشاره «ce» از حرف معین «de» استفاده شود.

- صفحه ۱۲، سطر ۶:

Mme de Staël accueille avec joie la Révolution française et elle en est d'abord favorable.

برای صفت favorable از حرف اضافه *à* استفاده می‌کنیم و نه *de* و ضمیر آن نیز *y* است نه *en*.

- صفحه ۱۳، سطر ۱۹:

Delphine (1802), dans laquelle elle plaide des droits du cœur contre les préjugés sociaux.

فعل *plaider* با حرف اضافه‌ای چون *pour* و *contre* و با اصطلاحی مثل *en faveur de* به کار می‌رود. این فعل گاهی لازم است و گاهی متعدی مستقیم و هرگز با حرف اضافه *de* همراه نیست. حتی اگر در جمله مورد نظر *des* را یک حرف تعریف نامعین یا حرف تعریف بخشی (*partitif*) به حساب آوریم، باز هم جمله غلط است. این جمله شکل اندک تغییر یافته جمله‌ای است که در صفحه ۱۳ کتاب *Lagarde et Michard* به چشم می‌خورد. در این جا به جایی کلماتی حذف شده و چنین جمله نامفهوم و ناقصی پدید آمده است.

- صفحه ۱۷، سطر ۱۷:

Ainsi, l'œuvre de Chateaubriand se compose en trois catégories.

فعل *se composer* با حرف اضافه *de* به کار می‌رود و نه *en*. به نظر می‌رسد که به جای *se partager* یا *consister* از این فعل استفاده شده است.

- صفحه ۴۱، سطر ۱۹:

Ecrit dans le mois d'octobre 1827, après le drame lui-même, la *Préface de Cromwell* (...).

و صفحه ۴۷، سطر ۲۵:

Dans cette même année, il écrit aussi deux romans.

برای سال و ماه، به‌ویژه اگر در طی آن‌ها کاری انجام شده باشد، معمولاً از حروف اضافه *dans* استفاده نمی‌شود و *durant* و *pendant* به‌کار می‌رود؛ یا گاهی حروف اضافه حذف می‌شود. در جمله نخست به‌جای *dans* باید از *durant*، یا به‌جای *dans le* از *au* و در جمله دوم به‌جای کلماتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده از *la* استفاده کنیم. دلیل بروز این اشتباه را نیز می‌توان در برگردان جمله فارسی به فرانسه یافت.

- صفحه ۱۹۱، سطر ۱۱:

Baudelaire décide enfin à livrer son propre univers.

فعل *décider* با حرف اضافه *de* همراه می‌شود نه *à*. اما برای *se décider* از حرف اضافه *à* استفاده می‌کنیم.

۳.۲.۳.۳ حشو در جملات

- صفحه ۷۸، سطور ۱۹-۲۰:

La Confession d'un enfant du siècle (1836) est un roman d'inspiration autobiographique inspiré de son aventure amoureuse.

ترجمه فارسی این جمله چنین است:

«*عترافات کودک قرن* (۱۸۳۶) رمانی است با الهام زندگی‌نامه‌ای که از ماجرای عشقی او الهام گرفته است». این جمله با وجود دو کلمه هم‌خانواده *inspiration* و *inspiré* بسیار نازیبا و بی‌منطق به نظر می‌رسد.

- صفحه ۹۷، سطر ۱۵:

(...) surtout les romans champêtres en particulier (...)

ترجمه فارسی این جمله:

«به‌ویژه رمان‌های روستایی مخصوصاً». در این جمله از دو قید هم‌معنا در جمله‌ای واحد و به فاصله سه کلمه استفاده شده است.

صفحه ۱۱۴، سطر آخر:

La Cité antique (1864), son chef-d'œuvre, est un grand ouvrage.

«*شهرک باستانی* (۱۸۶۴)، شاهکارش، اثر بزرگی است».

۴.۲.۳.۳ استفاده نادرست از ضمائر

- صفحه ۳، سطر آخر:

De 1814 à 1824 c'est le règne de Louis XVIII et Charles X le succède de 1824 à 1830.

فعل succéder به مفهوم «جانشین شدن» با حرف اضافه à همراه است. بنابراین، ضمیر le باید به lui تغییر یابد.

- صفحه ۴۷، سطور ۱۸-۲۲:

En 1827 , il publie *Cromwell* , un drame en vers. Il est alors installé dans la rue Notre - Dame -Des - Champs , qui est devenu le lieu des réunions du «Cénacle» , qui constituent les romantiques militantes , artistes ... comme Vigny , Dumas , Mérimée , Balzac , Saint-Beuve , Nerval et Gautier.

این جمله را بی‌کم و کاست و با رعایت علائم سجاوندی کتاب رونویسی کرده‌ایم. همان‌طور که پیش‌تر یادآور شدیم، همهٔ وی‌گول‌ها در جای نادرست قرار دارند؛ از سه نقطهٔ تعلیق درست استفاده نشده است؛ *militantes* و *Saint-Beuve* به جای *militants* و *Sainte-Beuve* به کار رفته‌اند؛ بنا بر قاعدهٔ بدل (*apposition*) باید حرف تعریف *un* را حذف کرد؛ ضمیر موصولی فاعلی دوم جمله، *qui* به جای ضمیر موصولی مفعولی *que* به کار رفته است. مرجع نخستین ضمیر موصولی *qui* نیز اشکال دارد، چرا که رمانتیک‌ها یقیناً در خیابان نتردام دشان تشکیل جلسه نمی‌داده‌اند، بلکه در آپارتمان ویکتور هوگو واقع در آن خیابان گرد هم می‌آمدند.

- صفحه ۷۷، سطر ۱۳:

C'est ce dernier que la jeune femme tombe amoureuse.

اصطلاح *tomber amoureux(se)* با حرف اضافهٔ *de* همراه و جملهٔ فوق نادرست است. این جمله را به دو صورت می‌توان نوشت:

C'est de ce dernier que la jeune femme tombe amoureuse.

C'est ce dernier dont la jeune fille tombe amoureuse.

- صفحه ۱۲۸ سطر ۱۱:

Ses vers sont un peu faciles qui rappelle parfois des chansons populaires.

این جمله نیز مانند بسیاری از دیگر جمله‌ها، از جنبه‌های گوناگون نادرست است:

مرجع ضمیر موصولی qui مشخص نیست؛ اگر مرجع ضمیر را ses vers در نظر بگیریم، چرا در چنین فاصله‌ای از ضمیر قرار گرفته است؟ فعل rappeler با کدامین فاعل تطابق کرده است؟ ترجمه فارسی این جمله نیز نامفهوم است: «اشعارش اندکی ساده‌اند که گاه ترانه‌های مردمی را به یاد می‌آورند».

۵.۲.۳.۳ جمله‌های نامفهوم

بسیاری از جملات این کتاب گاهی نامفهوم‌اند و در بسیاری موارد رنگ و بوی فارسی دارند نه فرانسوی. برای روشن شدن مطلب، جمله‌هایی را از بخش‌های گوناگون انتخاب کرده‌ایم.

- صفحه ۵، سطور ۱۲-۱۳:

Le développement de l'industrie est un accroissement du prolétariat urbain, cela veut dire l'augmentation dans l'activité des questions sociales.

ترجمه فارسی این عبارت همان قدر نامفهوم است که جمله اصلی:
«گسترش صنعت افزایش پرولتاریای شهری است: این به مفهوم بالا رفتن در فعالیت مسائل اجتماعی است».

فعل être (= بودن) کاملاً نابه‌جاست و کلمه activité (= فعالیت) هیچ مفهوم درستی را منتقل نمی‌کند. در واقع، این جمله هم‌چون بسیاری از جملات این کتاب، شکل دگرگون‌شده یکی از عبارتهای موجود در تاریخ ادبیات فرانسوی Lagarde et Michard است و مشخص نیست در این استحاله به چه دلیل حرف عطف et به est و acuité به activité تغییر شکل داده‌اند. جمله درست فرانسوی را می‌توان در صفحه ۹ کتاب مذکور مشاهده کرد:

Le développement de l'industrie et sa concentration progressive entraînent un accroissement considérable du prolétariat urbain et augmente l'acuité des questions sociales.

ترجمه فارسی جمله بالا:

«توسعه صنعت و تمرکز تدریجی آن، گسترش قابل توجه پرولتاریای شهری را به دنبال دارد و بر وخامت مسائل اجتماعی می‌افزاید».

- صفحه ۴۰، سطر ۳:

Le romantisme est contre l'unité de lieu, car c'est une autre conception du théâtre.

این جمله، هم‌چون بسیاری دیگر از جملات کتاب، ساختار بسیار ساده‌ای دارد؛ یعنی ساختاری متکی بر فعل شاه‌کلید être (= بودن). در کلاس‌های نگارش فرانسه به دانشجویان گوش‌زد می‌شود که در استفاده از این نوع کلمات محتاط باشند. منظور از شاه‌کلید برخی از کلمات بسیار متداول و غالباً افعالی است که معانی متعدد اما مبهم دارند و استفاده از آن‌ها در متون فاخر توصیه نمی‌شود، چرا که می‌توان اصطلاحات گویاتر و به‌ویژه دقیق‌تر را جانشین آن‌ها کرد. علاوه‌بر آن به‌نظر نمی‌رسد رابطه‌ای منطقی بین دو قسمت جمله برقرار باشد. قسمت دوم جمله چگونه می‌تواند دلیل مخالفت رمانتیسیم با وحدت مکان باشد؟
- صفحه ۴۷، سطر ۲۷:

En 1830, il rédige *Hernani* qui donne la bataille d'Hernani précédé par la révolution politique de juillet.

ترجمه فارسی این جمله:

«در سال ۱۸۳۰، وی *هرنانی* را می‌نویسد که نبرد *هرنانی* را به‌دنبال انقلاب سیاسی ژوئیه عرضه می‌کند». این جمله درست نیست، چرا که انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ پس از نخستین شب نمایش *هرنانی* در ۲۵ فوریه ۱۸۳۰ روی می‌دهد. لذا دست‌کم بخش دوم جمله باید به این شکل نوشته شود:

... la bataille d'Hernani précède la révolution politique de juillet 1830.

در جمله کتاب از e تأنیث اسم مفعول précédé اثری نیست. فعل donner نیز در این جا چندان جالب نیست. وجود چنین اشکالاتی در کتابی که به‌عنوان منبع درسی مطرح می‌شود تأثیری منفی بر سطح زبان دانشجویان می‌گذارد و اعتماد مخاطبانی را، که موفق به کشف این ایرادات شوند، به چنین آثاری سلب می‌کند. گفتنی است که مثال‌های بررسی‌شده فقط بخشی از مشکلات صوری این اثر است.

۲.۳ صفحه‌آرایی کتاب

صفحه‌آرایی این کتاب چندان رضایت‌بخش نیست. از جمله اشکالات این چنین‌اند:
- برخی از عناوین بخش‌ها در پایین صفحه قرار گرفته‌اند. این امر نه فقط به آرایش

کتاب ضربه می زند، بلکه از اهمیت موضوع نیز می‌کاهد. از آن جمله‌اند عناوین صفحات ۳۴، ۴۶، ۷۵، ۱۰۵، ۱۳۲، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۷۰، و ۱۹۴.

- بعضی از اشعار آرایش مناسبی ندارند. با توجه به آن‌که در نوع ادبی منظوم، شکل اهمیتی به‌سزا دارد، دقت در آرایش اشعار نیز الزامی است:

یک قطعه شعر چونان جزیره‌ای که دریا به گرد آن حلقه زده، از هر کران با فضای سپید احاطه شده و گاه گذرگاه‌ها یا همانا فاصله‌های میان بندها، در آن شیار وارد کرده است، در وهله نخست، با شیوه خود در پوشش ناکامل صفحه معنا می‌یابد (Morel, 1968: 310).

- در صفحه ۴۶، بندهای شعر «Le Lac» (= «دریاچه») با نسخه اصلی آن تفاوت دارد. این قطعه شعر از شانزده بند چهاربیتی تشکیل شده است، اما در کتاب مورد نظر چهاربیتی‌های ششم تا نهم به هشت دوبیتی تغییر شکل یافته‌اند. علاوه بر آن، کاربرد نادرست علائم سجاوندی قرائت شعر را با اشکال مواجه کرده است. در آخر بیت دوم به جای نقطه‌ویرگول از دو نقطه، در بیت ششم به جای علامت تعجب از دو نقطه، و در بیت یازدهم به جای نقطه‌ویرگول از ویرگول استفاده شده است.

- در صفحه ۹۱، بند اول و دوم شعر «Les Chimères» (= «خیال‌پردازی‌ها») در هم ادغام شده و به این ترتیب شعر از حالت سونه (sonnet) خارج شده است. این نوع شعر سنتی با دو بند چهاربیتی (quatrain) و دو بند سه‌بیتی (tercet) تعریف می‌شود. (تصور کنیم استادی در کلاس از دانشجویان خود بخواهد با مطالعه این سونه بسیار معروف نروال، ساختار ظاهری این گونه اشعار را توضیح دهند!). در صفحات ۸۸، ۱۰۴، و ۱۰۵ نمونه‌های دیگری از این آشفتگی مشهود است.

۴. محتوای کتاب

اطلاعات ارائه‌شده در این کتاب در بسیاری موارد موثق‌اند، زیرا در سایر کتاب‌های تاریخ ادبیات مندرج در کتاب‌نامه وجود دارند و این دو مؤلف ایرانی در اثر خود از آن‌ها بسیار بهره‌جسته‌اند. حال می‌توانیم این پرسش را مطرح کنیم که وجه تمایز این کتاب با کتاب‌های برجسته تاریخ ادبیات چیست؟ کتاب‌هایی چون *Lagarde et Michard, Itinéraires littéraires*، *Castex, Brunel, Profil* و بسیاری دیگر که نتیجه پژوهش‌های گسترده مورخان ادبی صاحب‌نام فرانسوی‌اند و در بیش‌تر کتاب‌خانه‌های دانشکده‌های زبان و ادبیات یافت می‌شوند. لذا، با بررسی ابعاد محتوایی این کتاب می‌کوشیم به پرسش فوق پاسخ دهیم.

۱.۴ مطالب تکراری

کتاب مورد نظر ما سرشار از عبارت‌های تکراری است. در بخش معرفی متون گزیده، بی‌کم و کاست به جملاتی برمی‌خوریم که در متن توضیحات مؤلفان آمده است. برای نمونه:
- در صفحه ۵۲ متنی پیش از «... on vit , on parle» وجود دارد که عیناً در صفحات قبل نیز درج شده است.

- هنگام بحث راجع به روگن - ماکار بارها از تعداد رمان‌های این مجموعه سخن به میان می‌آید تا مبدا فراموش کنیم این مجموعه بیست رمان دارد! در بخش مربوط به بالزاک نیز مطالب تکراری بسیاری وجود دارد. گاه این تکرارها موجب بروز اشتباهاتی شگرف در اعداد و ارقام می‌شود. در صفحات ۱۴۴ و ۱۴۵ تفاوت‌هایی در تعداد شخصیت‌های *کمدی انسانی* بالزاک به چشم می‌خورد: عجیب است که تعداد شخصیت‌های داستانی این مجموعه در چند سطر از ۲۰۰۰ به ۴۰۰۰ افزایش و تعداد رمان‌ها از ۹۱ به ۹۰ کاهش می‌یابد.

یکی از دلایل وجود جمله‌های تکراری و تفاوت در بیان اطلاعات از آن‌جا ناشی می‌شود که مطالب از کتاب‌های گوناگون جمع‌آوری شده و بدون انسجام و نظم منطقی در کنار هم قرار گرفته‌اند.

۲.۴ نبود جمله‌های گذار

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که خواندن این کتاب را با مشکل مواجه می‌کند، نبود جمله‌های گذار است: گذار از یک مبحث به مبحث دیگر غالباً بدون مقدمه انجام می‌گیرد و این امر موجب سردرگمی خواننده می‌شود.

- در صفحه ۵، در پاراگرافی با عنوان «در قلمرو صنعت و اقتصاد» بحث تجارت در میان است، اما بی‌مقدمه و بدون هیچ توضیحی درباره پول و نقش آن در مناسبات سیاسی و اجتماعی، درباره ورود آن به عرصه داستان صحبت می‌شود. مؤلفان کتاب با اخذ جمله‌های تاریخ ادبیات *Lagarde et Michard* و حذف پاره‌ای از آن‌ها موجب بروز چنین خطایی شده‌اند. در کتاب مذکور پاراگراف کوچکی با عنوان «پول» وجود دارد. به ترجمه فارسی این دو بخش در این دو کتاب توجه کنیم:

بنابراین جنبش صنعتی موجب انجام عملیات بانکی می‌شود: بورژوازی غنی صعود خود را سرعت می‌بخشد و در دوره سلطنت لوئی - فیلیپ به طبقه اداره‌کننده جامعه تبدیل می‌شود.

تجارت نیز شاهد جهش‌های مهمی است. می‌توان "پول" را به‌عنوان موضوع ادبی درجه اول در رمان‌های بالزاک و سپس زولا ملاحظه کرد (5: Letafati and Moazzami, 2009).

اما در *Lagarde et Michard* مطلب بالا با این عبارات بیان شده است:

"پول"

جنبش صنعتی موجب انجام عملیات بانکی می‌شود و شکل‌گیری ثروت‌های عظیمی را ممکن می‌سازد. بورژوازی غنی جهش خود را سرعت می‌بخشد و از دوره سلطنت لویی - فیلیپ به طبقه اداره‌کننده جامعه بدل می‌شود. پول، به‌عنوان نیروی محرکه سیاسی و اجتماعی، در رمان‌های بالزاک و سپس زولا در مقام یک موضوع ادبی درجه اول ظاهر می‌شود و این نویسندگان جسارت بهره‌برداران پول و مسکنت قربانیان آن را به تصویر می‌کشند (9: *Lagarde et Michard, 1969*).

- در صفحه ۴۳، پس از مرور زندگی‌نامه لامارتین، بدون مقدمه با این جمله مواجه می‌شویم: *Ses œuvres sont: (= آثار او هستند)*. در ضمن واژه *œuvre* به معنی آثار یک نویسنده معمولاً به صورت مفرد به‌کار می‌رود. دلیل این اشکال را باید در ترجمه لفظ به لفظ از فارسی به فرانسه یافت.

- در صفحه ۱۱۵، پس از توضیحی دوسطری درباره زندگی‌نامه رنان، بدون ترتیب زمانی نام آثارش ذکر می‌شود. طبق کتاب لطافتی و معظمی، نخستین اثر منتقد مذکور، *L'avenir de la science* در سال ۱۸۹۰ به انتشار رسیده است، سپس بدون هیچ جمله گذاری، از آثار دیگر وی به ترتیب انتشار در سال‌های ۱۸۷۶، ۱۸۷۸، ۱۸۸۳، و ۱۸۵۸ نام برده شده است. در پاراگراف آخر، رنان به‌عنوان مرد علم، شاعر، مورخ، و متخصص مسیحیت معرفی می‌شود و با این جمله که هیچ ارتباط معنایی‌ای با جمله‌های قبلی ندارد، پایان می‌یابد:

«Il pense que: «tout dans l'histoire a une explication humaine» (= «او فکر می‌کند

که: «در تاریخ، همه چیز یک توضیح انسانی دارد»).

گفتنی است که *L'Avenir de la Science* (= آینده علم)، در سال ۱۸۴۸ تألیف شده و در سال ۱۸۹۰ به چاپ رسیده است؛ اما در کتاب مورد نقد ما فقط به تاریخ انتشار این کتاب اشاره شده و از حروف بزرگ نیز برای این عنوان استفاده نشده است. علاوه بر آن، نقل قول آخر پاراگراف از دو لحاظ اشکال دارد: هیچ اشاره‌ای به منبع آن نشده و همان‌طور که می‌دانیم، در نقل قول مستقیم استفاده از حرف ربط «که»، نه در زبان فارسی و نه در زبان فرانسه، مجاز نیست. این جملات برگرفته از *Lagarde et Michard* است و با جابه‌جایی و

بازنویسی آنها، نظم منطقی مطالب از بین رفته است (← صفحه ۳۹۳). در این کتاب نمونه‌های بی‌شماری از جملات بدون نظم منطقی می‌توان پیدا کرد.

۳.۴ تمرین‌های کتاب

در طراحی تمرین‌های این کتاب هیچ نوآوری‌ای به کار نرفته و فقط بر محفوظات و یادگیری سطحی تأکید شده است. در حالی که به لحاظ آموزشی، دانشجویان با انجام تمرین‌ها و فعالیت‌های مناسب «می‌توانند به مهارت‌های پیچیده‌ای چون شناخت فرضیات و ایجاد و نقد مباحث بپردازند» (مایرز، ۱۳۸۶: ۸۴).

۱.۳.۴ کارکرد تمرین‌ها

به نمونه‌هایی از این تمرین‌ها در صفحه ۲۹ کتاب توجه کنید:

Présentez les thèmes majeurs des œuvres romantiques.

- موضوعات اصلی آثار رمانتیک را معرفی کنید.

L'œuvre de Chateaubriand est composée de combien de catégories? Expliquez.

- آثار شاتوبریان از چند دسته تشکیل شده‌اند؟ توضیح دهید.

Qu'en savez-vous du roman *Adolphe* de Benjamin Constant? Expliquez le thème.

- از رمان آدولف اثر بانژمن کنستان چه می‌دانید؟ موضوع آن را توضیح دهید.

در جمله فوق، اشتباه دستوری وجود دارد: «en» اضافی است.

Quels sont les thèmes abordés par Mme de Staël dans ses romans? Nommez- les et expliquez- les

- موضوعاتی که مادام دو ستال در رمان‌های خود بررسی کرده، کدامند؟ آن‌ها را نام ببرید و توضیح دهید.

پاسخ صریح تمام تمرین‌ها را عیناً در خود کتاب می‌توان یافت. تمرین‌هایی از این دست به پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی و تحلیلی دانشجو مددی نمی‌رسانند. به گفته چت مایرز:

تکالیف باید در بافت و ترکیب یک درس به شیوه‌ای منظم و زنجیره‌ای منظور شوند تا در پایان درس، شاگردان چنان خوب مهارت‌ها و روش‌ها را فراگیرند که بتوانند آن‌ها را چون پایه و اساس کوشش‌های تفکر انتقادی در آینده به کار برند (همان).

یکی از گویاترین مثال‌ها را در تمرین‌های صفحه ۲۹ می‌توان یافت:

Exposez les principes exposés dans l'œuvre de Mme Staël.

«اصول ارائه‌شده در آثار مادام دو ستال را ارائه دهید». ضمناً در این تمرین کاربرد دوباره فعل *exposer* چندان جالب نیست.

در صفحه ۱۳ کتاب با این عبارت روبه‌رو می‌شویم:

Voici les principes littéraires exposés dans l'œuvre de Mme Staël.

«اصول ادبی ارائه‌شده در آثار مادام دو ستال به شرح زیر است».

حال نظری به تمرین‌های کتاب *Itinéraires littéraires* و بخش مربوط به مادام دو ستال بیندازیم:

در صفحه ۱۷، ذیل متن مستخرج از *De la Littérature* (= درباره ادبیات)، به این عنوان برمی‌خوریم: «برای آماده‌سازی متن». به کمک پرسش‌های این قسمت و تلاش برای یافتن پاسخ‌های مناسب، می‌توان به مرحله تفسیر متن راه یافت. نمونه‌هایی از این پرسش‌ها:

- «ساختار متن را مطالعه کنید».

- «جمله‌هایی که ناعادلانه بودن سرنوشت زن را برجسته می‌سازند، تجزیه و تحلیل کنید».

- «نشان دهید چگونه وضعیت زن برتر و خیم‌تر است».

پاسخ این پرسش‌ها را به‌صورت آماده در متن نمی‌توان یافت و پیدا کردن پاسخ آن‌ها نیاز به اندیشه و تفکر دارد.

با مقایسه افعالی که در پرسش‌ها به‌کار رفته‌اند، تفاوت میان تمرین‌های دو کتاب مشخص می‌شود. در کتاب مورد نظر ما تمرین‌ها با محوریت فعل‌هایی مانند «نام ببرید»، «کدامند؟»، «توضیح دهید»، «برشمرید»، «نشان دهید»، «معرفی کنید»، «چه می‌دانید؟» و ... طراحی شده‌اند، در صورتی که در کتاب *Itinéraires littéraires* و کتاب‌های مشابه دیگر شاهد فعل‌هایی چون «تجزیه و تحلیل کنید»، «توجیه کنید»، «مشخص کنید»، «مطالعه کنید»، و «بحث کنید» هستیم.

در صفحه ۲۰ کتاب *Lagarde et Michard* در متنی انتخابی از کتاب *De L'Allemagne* (= درباره آلمان)، کلمه *calme* (= آرامش) شماره‌گذاری شده و در پانویس این پرسش را می‌بینیم:

«به نظر شما تا چه حد آرامش با هیجان آشتی‌پذیر است؟»

پاسخ به این پرسش نیاز به مطالعه دارد و در این فرایند، توانایی‌های فکری دانشجویان رشد می‌یابد.

از دنیای خودمحور مبتنی بر تجربیات شخصی محدود و واقعیات محسوس به قلمرو دنیایی غنی تر و انتزاعی تر و متضمن ارزش‌ها، بینش‌ها و حقایق متعدد و گوناگون انتقال می‌یابد (همان: ۳۶).

در پایان به پرسشی که در کتاب *Littérature française, Histoire et anthologie* دربارهٔ René اثر شاتوبریان مطرح شده است می‌پردازیم:

در صفحهٔ ۲۲۵ کتاب مذکور، ابتدا به متنی انتخابی از این کتاب با عنوان *Le Mal du Siècle* (= بیماری قرن) و سپس پرسش‌های مربوط به آن برمی‌خوریم:

- «جزئیات و اصطلاحاتی که ناپایداری و مالیخولیای رنه را نشان می‌دهند، استخراج کنید».

- «آیا می‌توانید با تهیهٔ فهرستی دوگانه، اصطلاحاتی را که میان پاییز و مالیخولیای رنه

پیوند برقرار می‌کند، مشخص کنید؟»

در پرسش‌های مذکور مراحل حرکت از سطح عینی به سطح تحلیلی به چشم می‌خورد. با قرائت متن مربوط، ابتدا دانشجویان در یک سطح عینی یعنی توصیف فصل پاییز قرار می‌گیرند و با مواجهه با پرسش دوم و یافتن پاسخ آن به سطح استعاره‌ای راه می‌یابند و دربارهٔ هماهنگی میان روح شخصیت رمانتیک و طبیعت پیرامون او اظهار نظر می‌کنند. طرح سؤالات مناسب می‌تواند دانشجویان را به سطوح بالاتر تجزیه و تحلیل و تفکر انتقادی رهنمون کند.

در کتاب مورد نقد ما، تمرین‌ها به رشد مهارت خاصی منجر نمی‌شود و دانشجویان با خط کشیدن زیر پاسخ‌ها، در صورتی که این کتاب منبع امتحانی باشد، فقط می‌توانند مرحلهٔ امتحان پایان ترم را پشت سر بگذارند. به‌علاوه در کتاب انتشارات سمت، در انتهای برخی از فصول، پیش از تمرین‌ها، قسمتی با عنوان *À Retenir* (= برای به‌خاطر سپاری) وجود دارد که به خلاصهٔ برخی از مباحث مطرح در فصول می‌پردازد. این امر باعث شده دانشجویان حتی از زحمت خلاصه کردن درس معاف شوند. در حالی که این نوع تمرین، طبق نظر مایرز، به‌عنوان یکی از گام‌های پرورش مهارت‌های اساسی تفکر تلقی می‌شود (همان: ۸۷). خلاصه‌نویسی به دانشجو این امکان را می‌دهد که اطلاعات ضروری را از غیرضروری تشخیص دهد و آن‌ها را اولویت‌بندی کند.

۲.۳.۴ بی‌دقتی در طراحی تمرین‌ها

گذشته از کارکرد سطحی تمرین‌های این کتاب، در طراحی آن‌ها نیز دقت کافی به عمل نیامده است، برای نمونه می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

- صفحه ۱۲۶، تمرین ۸: *Mademoiselle de Maupin* اثری است از تئوفیل گوتیه؛ نویسندگان گویی آن را متعلق به لوکنت دولیل می‌دانند.

- همان صفحه تمرین ۵: واژه «Parnasses» به عنوان صفت به‌کار رفته و s جمع هم گرفته است: «poètes parnasses». اما صفتی که از اسم پاراناس ساخته می‌شود parnassiens است و poètes parnassiens و les Parnassiens درست است.

- در صفحه ۱۰۸ با این پرسش روبه‌رو می‌شویم:

«شاهکار اوژن فرومانتن را معرفی کنید». در این فصل، هنوز نشانی از فرومانتن نیست و این پرسش با مطالب قبلی ارتباطی ندارد. در صفحه ۲۱۶ کتاب برای نخستین بار با این نویسنده آشنا می‌شویم.

۴.۴ نوآوری کتاب

کتاب‌های باارزش تاریخ ادبیات نوشته نویسندگان فرانسوی بر روش پژوهشی نوینی در بررسی و مطالعه تاریخ ادبیات استوارند. برای مثال، در کتاب *درآمدی بر ادبیات فرانسه* تألیف پی‌یر برونل و دنی ئویسمن، از روشی نو استفاده شده است و آن بررسی تاریخ ادبیات با حرکت از قرن بیستم به سوی زمان گذشته است. این روش به نویسندگان فرصت داده،

تا از قطعات موزه‌ای که آثار برجسته ادبی در آن نهفته است، به روشی «ذهنی، شفاف و بدون دغدغه» که هوسرل برای مشاهده جهان سفارش می‌کند، غبارزدایی قطعی شود (برونل و ئویسمن، ۱۳۸۲: ۱).

اما در کتاب لطافتی و معظمی هیچ روش تحقیق نوینی در بررسی و تحلیل تاریخ ادبیات فرانسه در قرن نوزدهم به‌کار نرفته و فقط به تقلیدی خام از کتاب‌های موجود اکتفا شده است. با مقایسه فهرست مطالب این کتاب و کتاب‌های تاریخ ادبیات فرانسوی به وجود ساختاری ترکیبی پی می‌بریم. این کتاب از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

۱. نیم‌قرن رمانتیک و ۲. رئالیسم، ناتورالیسم، و سمبولیسم.

بخش اول شامل چهار فصل است: دو فصل اول به پیش‌رمانتیسم و رمانتیسم اختصاص یافته است که این امر منطقی به‌نظر می‌رسد و در اکثر کتاب‌های تاریخ ادبیات قرن نوزدهم نیز به همین شیوه عمل شده است، اما توجیهی برای گنجاندن دو مقوله تاریخ و نقد در یک فصل با عنوان «تاریخ و نقد در قرن نوزدهم» وجود ندارد. از این گذشته، اولین واژه این عنوان «تاریخ» است، اما نخستین نویسنده مورد بررسی کسی جز سنت - بوو، منتقد

رمانتیک، نیست. دیگر نویسندگان، به ترتیب، مورخ و منتقدند و بر اساس فهرست کتاب *Lagarde et Michard* بررسی شده‌اند، البته با این تفاوت که در کتاب اخیر «تاریخ در قرن نوزدهم» و «نقد در قرن نوزدهم» در دو فصل جداگانه قرار گرفته‌اند و بخشی با عنوان نیم‌قرن رمانتیک وجود ندارد.

چگونه می‌توان منتقدانی چون هیپولیت تن و ارنست رنان را در زمره نویسندگان رمانتیک نیمه اول قرن به حساب آورد؟ تن روش فلسفی آگوست کنت موسوم به اثبات‌گرایی را به هنر و ادبیات تعمیم داد و بر مکتب ناتورالیسم تأثیر گذارد و رنان فردگرایی رمانتیسم را به باد انتقاد گرفت. در کتاب *Profil*، ژول میشله و سنت-بوو در ذیل فصلی با عنوان «عقاید» و در زیرمجموعه رمانتیسم، و هیپولیت تن و ارنست رنان در بخش دوم کتاب یعنی رئالیسم و باز در فصل «عقاید» جای گرفته‌اند. فصل چهارم کتاب نیز به پیروی از فهرست مطالب *Lagarde et Michard* به مکتب پاراناس اختصاص دارد، اما قرار دادن مکتب پاراناس نیز در نیمه نخست قرن کاملاً اشتباه است. این مکتب ضد رمانتیک در آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم ظهور می‌کند و شاعران آن طی سال‌های ۱۸۶۰-۱۸۶۶ با تشکیل گروه خود به مخالفت با رمانتیسم عاطفی می‌پردازند. نخستین شاعر مورد مطالعه در این فصل تئوفیل گوتیه است. در این جا مؤلفان فهرست مطالب *Itinéraires Littéraires* را مد نظر داشته‌اند، با این تفاوت که در کتاب اخیر این فصل «وسوسه شکل» نام دارد. درست است که شاعران پاراناسی چون لوکنت دولیل (Leconte de Lisle)، بانویل (Banville)، و هرديا (Heredia) با احترام به گرد تئوفیل گوتیه، قهرمان هنر برای هنر، حلقه می‌زنند، اما تنها مسئله‌ای که گوتیه را به شاعران مکتب پاراناس پیوند می‌دهد همین دغدغه شکل است، وگرنه گوتیه را نمی‌توان شاعری پاراناسی به حساب آورد. در صفحه ۱۱۹ کتاب مورد نقد ما به‌صراحت از گوتیه به عنوان شاعری پاراناسی یاد می‌شود!

بخش دوم به پنج فصل تقسیم شده است: ۱. زیر بیرق رئالیسم، ۲. رئالیسم، ۳. ناتورالیسم، ۴. سمبولیسم، و ۵. رمان‌نویسان پایان قرن. فصل چهارم از روی *Profil* الگوبرداری شده است. البته در کتاب اخیر، بودلر در فصلی جداگانه و رمبو، لوتره‌آمون، ورلن، و مالارمه در فصلی دیگر با عنوان «شاعران ملعون» بررسی شده‌اند. اما در کتاب لطافتی و معظمی، از شاعرانی چون ژول لافورگ (Jules Laforgue)، تریستان کوربیر (Tristan Corbière)، و شارل کرو (Charles Cros) در ذیل مکتب سمبولیسم اثری دیده نمی‌شود. هرچند گرایش سمبولیسم از دهه‌های پیش وجود داشته است، اما این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۸۸۶ به‌مثابه واکنشی در برابر یقین علمی اثبات‌گرایی به کار رفت. سه شاعر آخری، که به آن‌ها

اشاره کردیم، به دنبال ورلن، رمبو، و مالارمه به هر آنچه در جهان اسرارآمیز نامطمئن و جذاب بود توجه کردند.

۵. نتیجه گیری

در کتاب *تاریخ ادبیات فرانسه: قرن نوزدهم* فقط از منابع کلی تاریخ ادبیات فرانسه استفاده شده است. در میان دوازده کتاب مندرج در کتاب نامه، یازده تاریخ ادبیات و یک فرهنگ آثار و موضوعات وجود دارد که بیش تر آن‌ها را می‌توان در کتاب‌خانه‌های دانشکده‌های زبان یافت. برای تدوین کتابی که در اندیشه رفع کمبودها و نیازهای دانشجویان است می‌بایستی از دیگر کتاب‌ها به‌ویژه آثار نقد و تفسیر نیز بهره جست. پیش از این کتاب، مجموعه *Profil* که به‌وفور در ایران یافت می‌شود، با انسجام بسیار بیش تر و به‌شکلی بسیار علمی‌تر مطالب مهم تاریخ ادبیات فرانسه را از قرن شانزدهم تا قرن بیستم خلاصه کرده است. البته مجموعه مذکور فاقد گزیده‌های آثار ادبی است، اما مگر در کتاب مورد بررسی ما چه استفاده‌ای از این متون ادبی شده است؟ آیا صرف گنجاندن چندین متن ادبی آن هم بدون ذکر شماره صفحه و ناشر در لابه‌لای صفحات کتاب کافی است؟

با نگاه به کتاب‌های تاریخ ادبیاتی که به گزیده آثار مزین شده‌اند، متوجه تفاوت شگرف میان آن‌ها و این کتاب می‌شویم. در آن کتاب‌ها، هم خود متون و هم پرسش‌هایی که در ارتباط با آن‌ها طرح شده‌اند زمینه را برای مطالعات و پژوهش‌های ژرف مهیا می‌کنند. باری کتاب لطافتی و معظمی با ساختار کنونی خود و با توجه به ماهیت یادداشت‌گونه‌اش با هیچ‌یک از آثار مندرج در کتاب نامه قابل مقایسه نیست. استاد و دانشجو ترجیح می‌دهند به جای استفاده از این کتاب، از سرچشمه سیراب شوند و به منابع دست اول رو آورند و این امر با اهداف آموزش عالی در ایران در تضاد است. در این نقد و بررسی، یقیناً به همه کاستی‌های این کتاب پرداختیم، چرا که بررسی همه آن‌ها کاری زمان‌بر است و در چهارچوب یک مقاله نمی‌گنجد.

منابع

- برونل، پی‌یر و دنی ئویسمن (۱۳۸۲). *درآمدی بر ادبیات فرانسه*، ترجمه فاطمه عشقی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- لطافتی، رؤیا و بیتا معظمی فراهانی (۱۳۸۸). *تاریخ ادبیات فرانسه: قرن نوزدهم*، تهران: سمت.

مایرز، چت (۱۳۸۶). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.

Brunel, Pierre et al. (1988). *Histoire de la littérature française, tome 2 XIXe et XXe siècles*, Paris: Bordas.

Castex, Pierre-Georges et al. (1974). *Histoire de la littérature française*, Paris: Hachette.

Décote, Georges and Joël Bubosclard (1995). *Itinéraires Littéraires du XIX^e siècle*, Paris: Hatier.

Échelard, Michel (1984). *Histoire de la littérature en France au XIX^e siècle*, Collection Profil, Paris: Hatier.

Lagarde, André and Laurent Michard (1969). *XIX^e siècle, Les grands auteurs français du programme*, Paris: Bordas.

Letafati, Roya and Bitā Moazzami Farahani (2009). *Histoire de la Littérature française: XIX^e siècle*, Téhéran: Samt.

Morel, Robert (1968). *La Nouvelle Poésie française*, Limoge: Ateliers Mellotée.

Nony, Daniel and Alain André (1987). *Littérature française, Histoire et anthologie*, Paris: Hatier.

